



دعاوی شرکت‌های تجاری در رویه دادگاه‌ها

توحیدزینالے

وکیل پایه یک دادگستری



فهرست کلی

۹	مقدمه
۱۱	معرفی دعوای ابطال و انحلال شرکت‌های تجاری
۱۳	مبحث اول: موارد انحلال شرکت‌های تجاری
۱۸	مبحث دوم: انواع شرکت‌های تجاری و موارد انحلال آن‌ها
۳۲	مبحث سوم: ابطال شرکت‌ها و صورت جلسات آن‌ها
۳۷	مبحث چهارم - تشریفات رسیدگی به دعوای شرکت‌های تجاری
۴۳	دعای شرکت‌های تجاری در آرای دیوان عالی کشور
۴۵	مبحث اول - آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۷۳	مبحث دوم - آرای اصراری دیوان عالی کشور
۱۳۷	مبحث سوم - آرای شعب دیوان عالی کشور
۱۷۹	دعای شرکت‌های تجاری در آرای دادگاه‌ها
۱۸۱	مبحث اول - آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر
۲۲۷	مبحث دوم - آرای دادگاه‌های انتظامی قضات
۲۳۱	دعای شرکت‌های تجاری در نشست‌های قضائی
۲۵۱	دعای شرکت‌های تجاری در نظریه‌های مشورتی
۲۶۷	دعای شرکت‌های تجاری در قوانین و مقررات
۳۵۵	فصل سوم - در تصفیه امور شرکت‌ها
۳۵۷	فصل چهارم - مقررات مختلفه
۳۵۹	منابع و مآخذ

فهرست جزئی

۹	مقدمه
۱۱	معرفی دعوای ابطال و انحلال شرکت‌های تجاری
۱۳	مبحث اول: موارد انحلال شرکت‌های تجاری
۱۳	گفتار اول: انحلال به جهت ارادهٔ شرکا
۱۴	گفتار دوم: انحلال به جهت از بین رفتن یکی از عناصر شرکت
۱۵	گفتار سوم: انحلال به جهت اختیارات قانونی
۱۸	مبحث دوم: انواع شرکت‌های تجاری و موارد انحلال آن‌ها
۱۸	گفتار اول: تشکیل و انحلال شرکت تضامنی
۲۱	گفتار دوم: تشکیل و انحلال شرکت‌های مختلط غیر سهامی

گفتار سوم: تشکیل و انحلال شرکت‌های مختلط سهامی	۲۲
گفتار سوم: انحلال و تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود	۲۳
گفتار چهارم: تشکیل و انحلال شرکت‌های نسبی	۲۴
گفتار پنجم: تشکیل و انحلال شرکت‌های تعاونی	۲۵
گفتار پنجم: انحلال و تصفیه شرکت سهامی	۲۷
مبحث سوم: ابطال شرکت‌ها و صورت‌مجلسات آن‌ها	۳۲
گفتار اول: موارد بطلان شرکت	۳۲
گفتار دوم: آثار بطلان شرکت	۳۲
گفتار سوم: ابطال شرکت‌های سهامی	۳۳
گفتار چهارم: بطلان شرکت با مسئولیت محدود	۳۵
مبحث چهارم - تشریفات رسیدگی به دعاوی شرکت‌های تجاری	۳۷
گفتار اول: صلاحیت محاکم در رسیدگی به دعاوی شرکت‌های تجاری	۳۷
گفتار دوم - نحوه طرح دعاوی شرکت‌های تجاری	۳۸
نمونه دادخواست ابطال صورت‌مجلس شرکت	۴۰
نمونه دادخواست انحلال شرکت به جهت عدم فعالیت	۴۱
دعاوی شرکت‌های تجاری در آرای دیوان عالی کشور	۴۳
مبحث اول - آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور	۴۵
۱. مرجع صالح در رسیدگی به دعاوی غیرمنقول اشخاص حقوقی	۴۵
۲. انتقال عین مستأجره از شرکتی به شرکت دیگر	۵۱
۳. تکلیف به پرداخت هزینه دادرسی از جانب اشخاص حقوقی	۶۰
۴. محکومیت متصدی حمل و نقل در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره	۶۲
۵. مطالبه وجه سفته از شرکت تولیدی صنعتی ایران _ فایلا	۶۸
مبحث دوم - آرای اصراری دیوان عالی کشور	۷۳
۱. مطالبه اجرت‌المثل استفاده از ماشین‌آلات کارخانه	۷۳
۲. انتقال سهام در شرکت سهامی	۸۳
۳. مقررات تغییر در سرمایه شرکت و انتقال سهام با نام	۱۱۲
مبحث سوم - آرای شعب دیوان عالی کشور	۱۳۷
۱. دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی علیه شرکت در حال تصفیه	۱۳۷
۲. ارجاع به داوری جهت تفریق شرکت و تقسیم مال‌الشركه	۱۳۹
۳. اعطای نمایندگی انحصاری فروش با هزینه شرکت موکل	۱۴۴
۴. تضرر شرکت به علت نقض در اجرای پروژه	۱۵۳
۵. لزوم رعایت شرایط مقرر در قرارداد بین شرکت‌ها در خصوص نحوه پرداخت وجه کالا	۱۵۸
۶. لزوم رعایت ترتیبات در اساسنامه شرکت	۱۶۸
۷. خسارت ناشی از حمل و نقل و تأخیر در تحویل دستگاه	۱۷۱
۸. مطالعه طلب و سهم‌الارث و منافع حاصل از شرکت	۱۷۳
۹. لزوم ثبت شرکت‌نامه در دفتر ثبت اسناد	۱۷۵

۱۰.	قرارداد عادی بین اشخاص	۱۷۶
۱۱.	لزوم توضیح شرکت در رفع شبهه مصرف‌کنندگان	۱۷۶
۱۲.	مسئولیت متصدی حمل و نقل	۱۷۷
۱۳.	طرح دعوا علیه شرکت	۱۷۷
۱۴.	وقفه در امور تجاری	۱۷۷
دعای شرکت‌های تجاری در آرای دادگاه‌ها		
۱۷۹.		
مبحث اول – آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر		
۱۸۱.		
۱.	تقاضای محکومیت شرکت بیمه به پرداخت زیان‌های ناشی از قرارداد بیمه	۱۸۱
۲.	الزام شرکت بیمه به پرداخت خسارت بیمه ناشی از آتش‌سوزی	۱۸۲
۳.	رد دعوی تنظیم سند رسمی انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود	۱۸۸
۴.	رد مطالبه خسارت از مقصر حادثه در صورت جبران توسط شرکت بیمه	۱۸۹
۵.	مهلت پرداخت دیه برای شرکت‌های بیمه	۱۹۱
۶.	دعوی شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه به خواسته مطالبه خسارت موضوع قرارداد	۱۹۲
۷.	اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مدیر شرکت	۱۹۵
۸.	دعوی شرکت سهامی خاص به طرفیت دادستان به خواسته دور حکم ورشکستگی	۱۹۶
۹.	محکومیت شرکت به تخلیه عین مستاجر به علت انتقال به غیر	۱۹۸
۱۰.	اعمال مقررات قانون موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ در قرارداد اجاره با شرکت	۲۰۰
۱۱.	الزام شرکت مترو به پرداخت حکم به استرداد مبالغ پرداختی به عنوان حقوق زارعانه	۲۰۱
۱۲.	مرجع صالح در دعوی ناشی از قرارداد شرکت‌ها	۲۰۳
۱۳.	طرح دعوا علیه شرکت بیمه البرز دایر بر ابطال سند رسمی	۲۰۴
۱۴.	طرح دعوا علیه شرکت فرش به خواسته مطالبه اجرت‌المثل ایام تصرف	۲۰۹
۱۵.	ابطال میابعه‌نامه عادی و ابطال اسناد رسمی انتقال به دلیل عدم رعایت غبطه بستانکاران شرکت ..	۲۱۲
۱۶.	ارجاع دعوی شرکت‌های زیرمجموعه شهرداری به داور	۲۲۵
۲۲۷.		
مبحث دوم – آرای دادگاه‌های انتظامی قضات		
۲۲۷.		
۱.	مقررات تغییرات در اساسنامه شرکت‌ها	۲۲۷
۲.	مسئولیت مدیران در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه	۲۲۹
دعوی شرکت‌های تجاری در نشست‌های قضائی		
۲۳۱.		
۱.	عدم امکان حق تجدیدنظرخواهی واعاده دادرسی برای شرکت‌های بیمه موضوع ماده ۲۲ قانون	۲۳۳
۲.	ضابطه تشخیص دولتی بودن یا نبودن شرکت‌ها	۲۳۴
۳.	وکالت شخص حقوقی از شخص حقوقی دیگر	۲۳۵
۴.	امکان اقامه دعوی مدیرعامل در زمان مدیریتش به طرفیت همان شرکت	۲۳۵
۵.	اعتبار اسناد تجاری تعهدآور و رسمی با امضاء مدیرعامل و مدیر مالی متفقاً	۲۳۶
۶.	صدور حکم غیابی در دعوی علیه ادارات دولتی	۲۳۷
۷.	مرجع صالح رسیدگی به دعوی راجع به اموال منقول به طرفیت شرکت	۲۳۸
۸.	رسیدگی به اعتراض شرکت‌های دولتی نسبت به آرای قطعی مراجع حل اختلاف اداره کار	۲۴۰
۹.	عدم امکان معرفی نماینده برای طرح دعوا از سوی صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتباری	۲۴۱

۲۴۳	۱۰. مقررات مربوط به پرداخت خسارت زیان دیده از جانب شرکت‌های بیمه‌گر.....
۲۴۴	۱۱. حکم به پرداخت جزای نقدی در مورد متهمین به تأسیس یا عضوگیری در شرکت‌های هرمی.....
۲۴۵	۱۲. استحقاق شرکت در کسر مبلغی از میزان قرارداد به ازای هر روز تأخیر.....
۲۴۶	۱۳. جواز ضبط ضمانت حسن انجام کار به واسطه عدم انجام تعهد.....
۲۴۷	۱۴. مطالبه خسارت از شرکت مخابرات در صورت اقدام به تغییر شماره‌های مشترکین.....
۲۴۸	۱۵. نحوه دریافت خسارت از شرکت بیمه با توجه به شرایط موجود در قرارداد بیمه.....
۲۴۹	۱۶. تنظیم قرارداد با اشخاص ثالث توسط شرکت توقیف شده.....
۲۴۹	۱۷. توقیف سهام شرکت‌ها.....
۲۵۰	۱۸. ثبت شرکت‌نامه تجاری و مدنی.....
۲۵۱	دعاوی شرکت‌های تجاری در نظریه‌های مشورتی
۲۵۳	۱. توقیف مطالبات شرکت‌ها، صورت‌وضعیت، ضمانت‌نامه بانکی.....
۲۵۳	۲. عدم توقیف اموال شرکت در اجرائیه صادره علیه سهامدار در شرکت با مسئولیت محدود.....
۲۵۴	۳. کارگر بودن مدیرعامل شرکت‌های تعاونی.....
۲۵۴	۴. قانون معافیت ادارات دولتی از پرداخت حق الثبت راجع به شرکت‌های دولتی.....
۲۵۵	۵. مطالبه اسناد و مدارک از شرکت واحد اتوبوس‌رانی.....
۲۵۶	۶. قاطع مرور زمان و مکاتبه مراجع اداری از نظر قطع مرور زمان.....
۲۵۷	۷. معاف نبودن شرکت دخانیات از پرداخت هزینه دادرسی.....
۲۵۷	۸. معاف نبودن شرکت‌های پیمانکاری تملک شده از طرف دولت.....
۲۵۸	۹. معاف نبودن شرکت ملی گاز ایران از پرداخت هزینه دادرسی.....
۲۵۸	۱۰. سهام شرکت‌ها.....
۲۵۸	۱۱. ثبت تغییرات در شرکت‌های خارجی.....
۲۵۹	۱۲. ملی شدن یا دولتی شدن شرکت خصوصی.....
۲۵۹	۱۳. شرکت‌های بازرگانی وابسته به دولت از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیستند.....
۲۶۰	۱۴. مستثنیات دین شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود.....
۲۶۰	۱۵. عدم امکان معرفی نماینده حقوقی جهت طرح دعوا از سوی صندوق قرض‌الحسنه بسیجیان.....
۲۶۱	۱۶. عدم امکان معرفی نماینده حقوقی جهت طرح دعوا از سوی سازمان‌های زیرمجموعه بنیاد مستضعفان.....
۲۶۲	۱۷. ابلاغ اوراق قضائی به شرکت از طریق درج آگهی.....
۲۶۲	۱۸. منفک شدن نماینده حقوقی شرکت دولتی و اخذ پروانه وکالت.....
۲۶۳	۱۹. عدم معافیت شرکت‌ها و مؤسسات زیرمجموعه آستان قدس رضوی از پرداخت هزینه دادرسی.....
۲۶۳	۲۰. معافیت برخی ادارات و سازمان‌ها از پرداخت هزینه دادرسی.....
۲۶۴	۲۱. معافیت شرکت‌های وابسته به وزارت نیرو از پرداخت هزینه دادرسی.....
۲۶۵	۲۲. ابلاغ اوراق قضائی به شرکت سهامی خاص.....
۲۶۵	۲۳. تقسیم سود شرکت‌های تحت مدیریت دولتی.....
۲۶۶	۲۴. مال الاجاره و سهام شرکت‌ها از جمله اموال منقول است.....
۲۶۷	دعاوی شرکت‌های تجاری در قوانین و مقررات
۲۶۹	مبحث اول - شرکت‌های سهامی.....

۳۴۲	مبحث سوم- شرکت تضامنی
۳۴۶	مبحث چهارم- در شرکت مختلط غیر سهامی
۳۴۹	مبحث پنجم- شرکت مختلط سهامی
۳۵۲	مبحث ششم- شرکت نسبی
۳۵۳	مبحث هفتم- شرکت های تعاونی تولید و مصرف
۳۵۵	فصل سوم- در تصفیه امور شرکت ها
۳۵۷	فصل چهارم- مقررات مختلفه
۳۵۹	منابع و مآخذ

مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به‌صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاوت و به‌طور کلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به‌صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرک رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به‌صورت منظم و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به‌صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوی... در رویه دادگاه‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛

۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛



۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

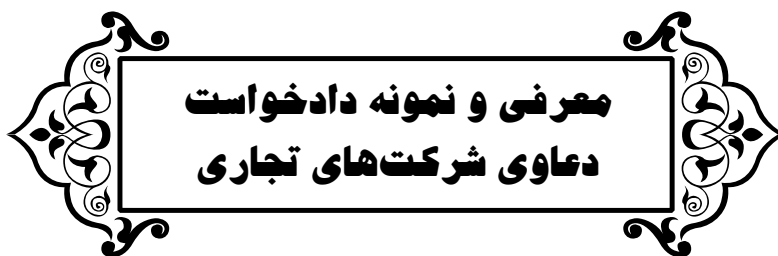
۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پرچار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و شش

فصل اول



انحلال شرکت به منزله پایان عمر آن است و لازمهٔ پایان عمر شرکت این است که دارایی جمعی از حالت مشاع بیرون آورده شود و میان شرکا تقسیم گردد. تقسیم دارایی بین شرکا در صورتی میسر است که طلبکاران شرکت طلب خود از شرکت دریافت کرده باشند. برای رسیدن به چنین مقصودی، قانون‌گذار تصفیه اموال شرکت را پس از انحلال پیش‌بینی کرده است.

مبحث اول: موارد انحلال شرکت‌های تجاری

موارد انحلال شرکت^۱ و آثار این انحلال یعنی تصفیه دارایی شرکت به طور کلی به شرح ذیل می‌باشد که به بررسی اختصاری هریک می‌پردازیم:

۱. انحلال مبتنی بر ارادهٔ شرکا؛

۲. انحلال به سبب از بین رفتن یکی از عناصر شرکت؛

۳. انحلال مبتنی بر دلایل موجه؛

۴. انحلال به سبب وضعیت یکی از شرکا.

گفتار اول: انحلال به جهت ارادهٔ شرکا

در بررسی این مورد باید بین فرضی که در آن کلیه شرکا انحلال شرکت را می‌خواهند و فرضی که در آن انحلال شرکت خواسته فقط یک یا چند نفر از شرکا است تفکیک قائل شد.

الف) انحلال مبتنی بر رضایت تمام شرکا: رضایت به انحلال در زمانی مطرح می‌گردد که شرکت برای مدت نامحدود تشکیل شده یا مدت شرکت که در شرکت‌نامه پیش‌بینی شده است به پایان نرسیده باشد و به هر حال اگر قبل از اتمام مدت شرکت همگی شرکا به انحلال آن رضایت دهند شرکت منحل می‌شود.^۲

ب) انحلال به ارادهٔ یکی از شرکا: هرگاه یکی از شرکا قرارداد شرکت را فسخ کند شرکت منحل می‌گردد. مشروط بر اینکه شرکت برای مدت معین تشکیل نشده باشد که در این مورد باید به ماده ۱۳۷ ق.ت. رجوع کرد که بیان می‌دارد: «۱. شریک در

۱. رجوع شود به ربیعا اسکینی، حقوق تجارت.

۲. مواد ۱۳۶ و ۱۶۱ و ۱۸۹ ق.ت.

صورتی می‌تواند از این حق استفاده کند که اساس‌نامه این حق را از او سلب نکرده باشد. ۲. فسخ ناشی از قصد اضرار به شرکا نباشد. ۳. تقاضا باید شش ماه قبل از فسخ به طور کتبی به شرکا اعلام شود. ۴. اگر موافق اساس‌نامه است باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود، فسخ در موقع ختم محاسبه سالانه به عمل می‌آید.»

به هر حال فسخ شرکت، در صورت قانونی بودن، منتهی به انحلال شرکت می‌شود و اگر شرکای دیگر بخواهند فعالیت شرکت را ادامه دهند باید شرکت جدیدی را ایجاد کنند.

گفتار دوم: انحلال به جهت از بین رفتن یکی از عناصر شرکت

در موارد ذیل ممکن است انحلال شرکت به جهت نقص در یکی از عناصر تشکیل‌دهنده شرکت پیش بیاید که اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) کاهش تعدد شرکا: مقنن مطابق قانون تجارت برای تشکیل شرکت حسب مورد حضور تعدادی از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی را لازم می‌داند در صورت منتفی بودن این تعداد باید گفت شرکت شخصیت خود را از دست داده و منحل خواهد شد به فرض مثال مقنن در ماده ۳ قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد» و در خصوص سایر شرکت‌ها به جزء شرکت تعاونی تعداد شرکا لازم برای تشکیل شرکت را به دو شخص تقلیل می‌دهد.

ب) تقلیل سرمایه شرکت: در این خصوص ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند» البته اگر قبل از صدور رأی قطعی از سوی دادگاه، موجب درخواست انحلال شرکت به دلیل افزایش سرمایه یا تبدیل آن به نوع



دیگری از انواع شرکت ها منتفی گردد دادگاه رسیدگی کننده حکم بر «بطلان دعوا» صادر خواهد کرد.

ج) انتفای موضوع شرکت: منتفی شدن موضوع شرکت در دو مورد مصداق می یابد که یکی مربوط به فعالیتی است که شرکت جهت انجام آن تشکیل یافته که در این زمینه ماده ۱۳۶ ق.ت. اینگونه مقرر می دارد: «وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل نشده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد» و دیگری مربوط به دارایی شرکت است که از میان رفتن کامل دارایی شرکت موجب تلف شدن موضوع شرکت خواهد شد.

د) انقضای مدت شرکت: هرگاه شرکت برای مدت معینی تشکیل شده باشد و با انقضای مدت، شرکاء رضایت به تمدید آن ندهند شرکت منحل خواهد شد.

ه) ورشکستگی شرکت: مطابق ماده ۴۱۲ ق.ت: «ورشکستگی شرکت تجاری زمانی مصداق دارد که شرکت از تأدیه وجوهی که بر عهده دارد برنیاید» بنابراین در صورت ورشکستگی شرکت، شرکت منحل خواهد شد مگر اینکه طلبکاران شرکت ورشکسته توافق کنند که با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد نمایند.^۱

گفتار سوم: انحلال به جهت اختیارات قانونی

همان طوری که از عنوان این گفتار مشخص و مبرهن است این نوع انحلال جنبه قانونی دارد نه قراردادی و بنابراین برای اعمال آن باید شرایط و تشریفات قانونی محقق باشد تا امکان خاتمه دادن به شخصیت شرکت فراهم گردد.

الف) شرایط انحلال: به موجب بند «ج» ماده ۱۳۶ ق.ت حکم ورشکستگی شرکت تضامنی در صورتی صادر می شود که یکی از شرکا به دلایلی، انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته باشد. بنابراین دلیلی که موجب حق شریک به تقاضای انحلال است باید موجه باشد؛ اما قانون گذار به رغم تصریح به این نکته، مواردی را که دلیل، موجه تلقی می شود ذکر نمی کند، بنابراین تشخیص موجه بودن دلیل با قاضی دادگاه است.

^۱ برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به؛ دعاوی ورشکستگی در رویه دادگاه ها، انتشارات چراغ دانش؛ سال ۱۳۹۴.

در حق تقاضای انحلال باید به این موضوع اشاره کرد که حق تقاضای انحلال از حقوقی است که شریک نمی‌تواند آن را اسقاط نماید. حکم دادگاه، در این خصوص (انحلال) جنبه انشایی دارد نه اعلامی بنابراین «انحلال شرکت در تاریخی محقق می‌شود که دادگاه رأی قطعی صادر می‌کند»^۱

گفتار چهارم - انحلال به جهت وضعیت یکی از شرکا

۱. فوت و حجر شریک: مطابق مواد ۱۸۱، ۱۶۱، ۱۳۹، ۱۳۶ ق.ت: «در صورت فوت یا حجر یکی از شرکای ضامن، شرکت خود به خود منحل می‌شود، مع ذالک سایر شرکاء می‌توانند بر بقای شرکت با قائم‌مقام متوفی توافق کنند.» بنابراین اگر سایر شرکاء نظر به بقای شرکت داشته باشند قائم‌مقام متوفی باید ظرف یک ماه از تاریخ فوت، رضایت یا عدم رضایت خود را در مورد بقای شرکت کتباً اعلام دارد.

۲. عجز شریک از پرداخت دیون شخصی: در این خصوص قانون تجارت در دو مورد قائل به تفکیک گردیده است که به اختصار بیان می‌داریم:

۱. شریک، تاجر باشد: اگر شریک تاجر باشد و حکم ورشکستگی وی به جهت عدم توانایی در پرداخت دیون صادر گردد در این حالت به تکلیف ماده ۱۳۸ قانون تجارت «در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.» بدین ترتیب باید گفت که ورشکستگی شریک ملازمه نسبی با انحلال شرکت دارد لیکن ورشکستگی شریک یا شرکت هیچ نوع ملازمه یا تاثیری در دیگری ندارد در این مورد ماده ۱۲۸ قانون تجارت اشعار می‌دارد: «ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.»

۱. ر.ک. ربیعا اسکینی، همان، ص ۱۳۳.